

# الزامات و اصول معرفتی تقابل با غرب در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی

مجتبی مرادی کوچی \*

چکیده:

در انقلاب اسلامی ایران ساخت تمدن با دو رویکرد نوین و اسلامی بودن همواره جزء آرمان‌های امت و امامین انقلاب اسلامی بوده است. در مسیر استقرار تمدن نوین اسلامی و تقابل با غرب به‌عنوان نقطه متضاد انقلاب اسلامی به‌منظور اضمحلال تمدن غرب، امامین انقلاب اسلامی با ارائه رویکردی تمدنی و جهان‌شمول از اسلام و انقلاب اسلامی و با معرفی تمدن غربی مسیر پیشروی ملت مسلمان ایران را تبیین و ترسیم کرده‌اند. پژوهش پیش‌رو با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای با رویکردی تمدنی اصول و الزامات تقابل با غرب را از بیانات و اندیشه‌های امامین انقلاب اسلامی استخراج و نسبت این اصول و الزامات را با مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی مشخص کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** غرب، نظام آموزشی، نظام‌سازی، تمدن اسلامی، انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای.

**مقدمه:**

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان آخرین و مستحکم‌ترین فصل موجود در تحقق حاکمیت دین و بزرگ‌ترین واقعه تاریخ انسان در عصر حاضر در حرکت پیش‌رونده خود دارای اوج و فرودهای سیاسی، اجتماعی و معرفتی مختلفی است. فصل مشترک تمام این مراحل وجود دشمن تا بن دندان مسلحی است که با تمام توان و انگیزه کمر بر نابودی انقلاب بسته است. در گام اول آنچه که این دشمن همیشگی را در تمام اقدامات خصمانه خود فشل کرده است معرفت‌بخشی دائمی رهبران و نخبگان انقلاب اسلامی نسبت به تفکرات و اقدامات دشمن در اذهان مردم است.

با آغاز گام دوم انقلاب اسلامی برای پیروزی در تقابل با غرب و حرکت به سمت آرمان اصلی انقلاب که ساخت تمدن نوین اسلامی باشد باید با ایجاد ساختاری نو و متکی بر اندیشه‌های امامین انقلاب اسلامی رویکردی معرفتی و تمدن محور در تمام اجزاء و ارکان جمهوری اسلامی طراحی شود. انقلاب اسلامی از ابتدا با رویکرد ایجاد یک تمدن جهانی و با این رویکرد که دین اسلام یک دین جهانی است خود را رشد و توسعه داد. امام خامنه‌ای با تبیین مراحل ۵ گانه انقلاب اسلامی، تکامل و نقطه نهایی انقلاب را ایجاد تمدن جهانی اسلام دانسته (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39710>) و جهت‌گیری اصلی برای تمام اقدامات را تمدن نوین اسلامی می‌دانند (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۸/۰۳/۰۱؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42633>). ایشان در بیانیه گام دوم، ورود انقلاب به چهل سال دوم را به منزله شروع مرحله دوم خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی قرار داده‌اند و الزامات این تمدن‌سازی را برای چهل سال دوم انقلاب طراحی و تبیین نموده‌اند.

**۱. تعریف مفاهیم:**

**تمدن:** درباره معنای تمدن تعاریف گوناگونی از سوی دانشمندان غربی و اسلامی بیان شده است. ویل دورانت تاریخ‌نگار مشهور غربی تمدن را نظامی اجتماعی می‌داند که در نتیجه وجود آن خلاقیت فرهنگی امکان و جریان عملی پیدا می‌کند (دورانت، ۱۳۶۵: ۵). هانتینگتون تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی می‌داند (هانتینگتون، بی‌تا: ۴۷).

علامه جعفری تمدن را تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد مادی و معنوی همه ابعاد مثبت معنا کرده است (جعفری، ۱۳۵۹: ۱۶۲).

**تمدن اسلامی:** تمدن اسلامی با نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد (مجموعه مقالات کنفرانس فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۳۷۴: ۱۹۱).

امام خامنه‌ای تمدن اسلامی را آرمان انقلاب اسلامی معرفی کرده و این تمدن را تمدنی معرفی می‌کنند که: تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴؛ ۲۳۸۱۰: id=23810). (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23810>).

**تمدن نوین اسلامی:** تمدن نوین اسلامی عبارت است از ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، نظام‌مند و نوظهور امت اسلامی با محوریت ایران، بر اساس تعالیم اسلامی در تمام عرصه‌های اجتماعی که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک می‌کند (غلامی، ۱۳۹۶: ۴۳).

مرکزیت و مدیریت ایران اسلامی به‌عنوان نظریه‌پرداز و پدیدآورنده این تمدن اصلی‌ترین مسئله در شناخت تمدن نوین اسلامی و تفاوت آن با تمدن اسلامی است (بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۵/۰۲/۰۸؛ ۳۲۹۲۰: id=32920). (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32920>).

**غرب:** مفهوم غرب در برگیرنده مناطق بسیاری در جهان و ترکیبی از مفاهیم، رفتارها و فرهنگ‌های متفاوت است. غرب را می‌توان به معنای دنیای صنعتی و به معنای کشورهای استعمارگر سابق و دشمن مسیحی و یا غروب معنویت و انسانیت انسان معنی کرد (سراجی کرمانی، ۱۳۹۲: ۵). در اصطلاح عام، منظور از «غرب»، «جوامع غربی»، «غرب متجدد» و «مغرب‌زمین» بخشی از دنیاست که از لحاظ صنعتی و اقتصادی پیشرفته و توسعه‌یافته است. در دانش سیاست غرب هم به‌مثابه یک موضوع و هم به‌مثابه یک مفهوم تلقی می‌گردد. از لحاظ موضوعی غرب

بخشی از جهان جغرافیای امروز است که با شاخص‌های پیشرفت و توسعه اقتصادی و صنعتی مشخص می‌گردد؛ ملاک اساسی در تشخیص غرب موضوعی، صنعت پیشرفته و تکنولوژی برتر است نه موقعیت جغرافیایی. در راستای مفهومی، غرب یک «مکتب» با نحوه تفکر، نگرش و علل تاریخی خاص خود است. حاصل چنین بینشی، فرهنگ و ایدئولوژی سرمایه‌داری، سلطه و نظام لیبرال دموکراسی می‌گردد (جمشیدی، ۱۳۷۸: ۳۵).

## ۲. روند تمدنی انقلاب اسلامی

تحقق اهداف انقلاب اسلامی با مدیریت و هدایت فقیه جامع‌الشرایط در اندیشه امام خامنه‌ای دارای ۵ مرحله است. مرحله اول در سال ۱۳۵۷ با وقوع انقلاب اسلامی تحقق یافته است. در مرحله دوم به‌وسیله نظام‌سازی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی نظام اسلامی تحقق یافته و در مرحله سوم باید دولتی اسلامی که دربردارنده تمام ساختار حاکمیت در کشور است و تمام شئون و اعمال خود را بر پایه اسلام تنظیم کرده باشد شکل پذیرد. در مرحله چهارم باید کشوری اسلامی شکل بگیرد که در آن دو عنصر عدالت و عزت بروز عینی داشته باشد. با شکل‌گیری کشور اسلامی به‌وسیله پیشرفت کشور در عرصه‌های علمی، سیاسی و اقتصادی به‌عنوان بخش ابزاری تمدن و ارتقای فرهنگ و سبک زندگی اسلامی به‌عنوان بخش حقیقی تمدن، تمدن نوین اسلامی در ایران تحقق یافته (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>) و در مرحله پنجم به‌وسیله الگوگیری سایر ملتها و کشور از مسیر انقلاب اسلامی ایران دنیای اسلامی تحقق می‌یابد (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>). در این هدف‌گذاری، ایجاد تمدن نوین اسلامی قرین با تشکیل امت واحده اسلامی است و باید چهار شاخصه دین، عقلانیت، علم و اخلاق مبین و معرف امت اسلامی باشد (بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17269>). البته تحقق صددرصدی این امت واحده و تمدن اسلامی در اندیشه امام خامنه‌ای در دوران ظهور است و باید رویکرد تمدنی در جوامع اسلامی رویکردی منتظرانه باشد (بیانات در جمع طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21451>).

### ۳. الزامات و اصول معرفتی تقابل با غرب

#### ۳.۱. طاغوت شناسی و طاغوت‌انگاری غرب

نقطه کانونی قرآن و رسالت تمام انبیا و اولیا شناساندن طواغیت و مبارزه با آنها است (سوره مبارکه نحل، آیه ۳۶). لازمه تحقق عبادت در ساختارهای فردی و اجتماعی مبارزه و کفر به طاغوت است. این تکفیر در دو ساحت ترک و نفی قلبی و عملی نمایانگر می‌شود (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۲۶).

امام خامنه‌ای در باب تقدم کفر به طاغوت برای تحقق عبودیت می‌فرماید: کفر به طاغوت، مقدمه صحت و صداقت و قبولی ایمان بالله است (بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4029>) و بدون کفر به طاغوت، تمسک به عروه و ثقای الهی امکان‌پذیر نیست (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۸۵/۰۵/۳۰؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3347>).

در اندیشه امام خمینی علیه السلام تمام اجزاء و ارکان قرآن کریم حول محور مبارزه مستضعفین با مستکبرین و طاغوتیان است (رحیم‌پور، ۱۳۹۲: ۶۴۶). امام خمینی علیه السلام طاغوت‌ستیزی را بزرگ‌ترین رویکرد قرآن معرفی کرده و عدم بیان مبارزه با طاغوت در قرآن را بزرگ‌ترین اجحاف در حق قرآن دانسته و می‌فرماید:

آخر بی‌انصافی این است که قرآنی که تو خانه همه مسلمان‌ها هست، همه دارند این قرآن را می‌بینند، قرآنی که هر صفحه‌اش را که باز کنی یا مثلاً هر جزئی‌اش را که ببینید، راجع به قتال و راجع به کشتار اشخاص طاغوت و برانگیختن مستضعفین در مقابل مستکبرین است، این بی‌انصاف‌ها قرآن را که در دسترس همه هست نادیده گرفتند، آن وقت می‌گویند که اسلام آمده است که مردم را مستضعفین را خواب کند و مستکبرین را بر آنها غلبه بدهد! این قرآنی که قتال در آن هست عرض می‌کنم که جنگ مستضعف بر مستکبر هست، سر تا ته آن راجع به فرعون، راجع به اشخاص دیگر و راجع به مستکبرینی که در آن عصر بودند هست، و مردم را وادار کرده بر ضد آنها. باز می‌گویند که قرآن یا

پیغمبر آمده است که این مردم بیچاره و فقیر و رعیت و کشاورز را خواب کند تا محمدرضا بیاید بمکدشان! این قرآن و آن انبیا (موسوی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۳۹۸).

امام خامنه‌ای کفر به طاغوت را یکی از اصول سازنده امت اسلامی در قرآن دانسته و می‌فرماید: مفاهیمی در قرآن داریم که این مفاهیم حقیقتاً سازنده زندگی مقتدرانه و عزتمندانه امت اسلامی است؛ حقیقتاً مایه نجات امت اسلامی از گرفتاری‌ها است؛ در قرآن این مفاهیم را داریم. برای اینکه این مفاهیم مورد عمل قرار بگیرد و تحقق پیدا کند، اول باید این مفاهیم را جزو بینات افکار جامعه اسلامی قرار داد و کاری کرد که برای جامعه اسلامی این مفاهیم قطعی و روشن بشود که هیچ چیزی جلوی آن را نتواند بگیرد. حالا من یکی از این مفاهیم را من باب نمونه عرض بکنم. فرمود: *فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَأَنْفِصَامَ لَهَا*؛ این یک معرفتی است، این یک اصل است؛ کفر به طاغوت و ایمان به خدا. یعنی ما همه‌ی عالم وجود را تقسیم می‌کنیم به دو قسمت: یک قسمت منطقه‌ی نفوذ طاغوت است، باید به آن کفر ورزید؛ یک قسمت منطقه‌ی نفوذ الله است، باید به او ایمان آورد، باید او را باور کرد؛ هویت ایمانی در مقابل هویت کفر. این به معنای این نیست که ما دائم بایستی با هر کسی که در هویت کفر است بجنگیم؛ این معنایش مقاتله نیست؛ این معنایش عدم ارتباط هم نیست؛ این معنایش عدم تبادل معلومات هم نیست؛ این معنایش استقلال هویت ایمانی و مرزبندی هویت ایمانی است تا انسان بتواند در مقابل هویت طاغوت و هویت کفر، خودش را حفظ کند، نگه دارد، تکمیل کند، رو به پیشرفت حرکت کند (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۶/۰۲/۰۷؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36331>).

امام خمینی علیه السلام غرب را مصداق بارز امروزی طاغوت دانسته و علت ضعف ملت ایران را طاغوت زدگی طولانی مدت به وسیله رژیم پهلوی می‌دانند و می‌فرمایند:

همه غرب زدگی‌ها ظلمت است. اینهایی که توجهشان به غرب است، توجهشان به اجانب است، قبله‌شان غرب است، رو به غرب توجه دارند، اینها در ظلمات فرورفته‌اند؛ اولیایشان هم طاغوت است. ملت‌های شرقی که به واسطه تبلیغات داخل و خارج، به واسطه تعلیمات عمال داخلی و خارجی، رو به غرب آورده‌اند و قبله آملشان غرب است و خودشان را باخته‌اند و نمی‌شناسند خودشان را، مآثر و مفاخر خودشان را گم کرده‌اند

و خودشان را باخته‌اند و گم کرده‌اند و به جای آنها یک مغز غربی نشسته است، اینها اولیایشان طاغوت است؛ و از نور به ظلمات وارد شده‌اند. و همه بدبختی‌های شرقی‌ها هم، از آن جمله ماها، همه گرفتاری‌های ما و بدبختی‌های ما هم، همین است که خودمان را گم کردیم، یک کس دیگر به جای ما نشسته است و لهذا می‌بینید که هر چیزی که در ایران هست تا یک اسم غربی نداشته باشد رواج ندارد. داروخانه هم باید اسم غربی داشته باشد. کارخانه‌های ما هم که پارچه می‌بافند باید آن حاشیه‌اش خط غربی باشد؛ اسم غربی هم رویش بگذارند. خیابان‌هایمان هم باید یک اسم غربی داشته باشد. همه چیزمان باید رنگ غربی داشته باشد. کتاب هم که می‌نویسند همین کتاب نویس‌ها، همین روشنفکرها، بعضی‌شان کتاب هم که می‌نویسند، یا یک اسم غربی روی آن می‌گذارند؛ یا مطالب را وقتی ذکر می‌کنند، استشهاد می‌کنند به قول یک نفر غربی. عیب هم این است که هم آنها غربزده هستند، و هم ماها! اگر کتاب‌ها آن اسم‌ها را نداشته باشد، اگر فاستونی آن اسم را نداشته باشد، اگر دواخانه آن اسم را نداشته باشد، کمتر به آن توجه می‌شود. وقتی به کتاب زیاد توجه می‌شود که از اول که انسان وارد می‌شود هی اصطلاح غربی ببیند؛ هی الفاظ غربی ببیند. الفاظ خودشان را فراموش کنند؛ لغت خودشان را فراموش کنند؛ مفاخر خودشان را به کلی فراموش کرده‌اند؛ دفن کرده‌اند؛ و به جای آن دیگران را نشانده‌اند. اینها همه ظلمت‌هایی است که طاغوت ما را از نور به این ظلمت‌ها وارد کرده است (موسوی، ۱۳۸۶، ج ۹: ۴۶۰).

امروزه نیز با گذشت بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی آفات ذکر شده در بیان امام راحل در مجامع علمی و تولیدی و در عموم مردم ایران کماکان وجود دارد و باید با طاغوت انگاری غرب این آفت‌زدایی در جامعه اسلامی ایران صورت بپذیرد.

امام خامنه‌ای نظامات سلطه را در عصر حاضر طاغوت دانسته و می‌فرماید:

امروز طاغوت اعظم در دنیا، رژیم ایالات متحده امریکاست؛ زیرا صهیونیسم را او به وجود آورده است و آن را تأیید می‌کند. امریکا جانشین طاغوت اعظم قبلی یعنی انگلیس است (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۸۵/۰۵/۳۰؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3347>).

## ۲.۳. تقسیم‌بندی نظامات سیاسی بر اساس دو رویکرد خدامحوری و انسان‌محوری

مبنای تقسیم‌بندی جوامع در عصر حاضر بر این اساس است که محور زندگی فرد و جامعه در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... را چه اندیشه‌ای شکل می‌دهد؟ در یک رویکرد انسان و خواسته‌هایش به منزله حاکم بر خود و زمین محور زندگی است و در رویکردی دیگر خداوند حاکم مطلق عالم هستی تصور شده و باید تمام شئون زندگی در مسیر توحید و خداپاوری صورت پذیرد.

تفاوت دو اندیشه خدامحوری و انسان‌محوری در نهایت منجر به جواز دو عمل متفاوت می‌شود. برای مثال در مباحث فقهی و حقوقی در نگاه خدا محور انسان هیچگاه حق ندارد اقدام به خودکشی کند؛ زیرا انسان مالک نفس خود نبوده و حق تصمیم درباره بودن نبود آن را ندارد؛ بنابراین طبق قوانین فقهی این کار حرام محسوب می‌شود؛ اما در نگاه انسان‌محور با توجه به مبنای مالکیت انسان بر خود این عمل چون با اختیار و اراده شخص انجام می‌شود تا زمانی که به آزادی و حقوق فردی و اجتماعی دیگران ضربه‌ای نزند دارای هیچ منعی از سوی قانون و جامعه نمی‌باشد.

### انسان‌محوری در غرب

غرب بعد از رنسانس مسیر زندگی اجتماعی بشر را از غیب اندیشی به مادی اندیشی و این‌جهانی دیدن نظام عالم تغییر داد. فرهنگ غرب قبل از دوران رنسانس کاملاً دینی نبود؛ اما چون مردم و حتی حاکمان و پادشاهان به این نفس‌محوری بعد از رنسانس نرسیده بودند امور نفسانی خود را در پوشش دین و مصرف غیبی مردم همان سرزمین پنهان می‌کردند. برای مثال هیچگاه فرعون ادای خالقیت خدا را زیر سؤال نمی‌برد و خود را خالق مردم نمی‌دانست ادعای او این بود که بالاترین مربی و رب است و با تأیید خالقیت و انتصاب خود به خدا به خود جایگاهی الهی می‌داد و عامه مردم نیز به پادشاهان به چشم افرادی که به‌نوعی شأن‌خدایی دارند نگاه می‌کردند چنانچه که در جامعه ایرانی نیز تا قبل از ورود فرهنگ و تمدن غرب مردم به شاه کشور «ظل الله» و از این دست تعبیر که به‌نوعی قداست دینی و غیبی به پادشاه می‌داد می‌گفتند. مهم‌ترین تغییری که غرب در زندگی بشر ایجاد کرد انقلاب فرهنگی بعد از رنسانس است که حکومت کفر و انسان‌محور خود را در قالب نظامات اجتماعی به دنیا عرضه کرد به‌نحوی که حتی این نگاه مدرن که مبانی آن تلقی اومانیستی از انسان و تلقی سکولار از جهان است، این قدرت را دارد که در این نظام غیرالهی حتی

دین را نیز تعریف کند. در این نگرش انسان حتی اگر به دین و آئین معنوی معتقد باشد آن را به گونه‌ای ذیل نفسانیات تعریف می‌کند (زرشناس، ۱۳۸۱: ۳۹-۴۲).

نفسانیت و خودمحوری در غرب با ساخت نظامات گوناگون انسانی باتکیه بر سلطه هواپرستی بر علم، عقل و دین توانست با ایجاد حس استقلال‌طلبی در انسان، تمام زندگی خود را در بعد مادی و این‌جهانی عالم هستی خلاصه کند. در این رویکرد همه چیز تابع بهترشدن امورات زندگی دنیایی و معاش انسان است. اگر اخلاق، علم، دین، خدا، پیغمبر و یا هر چیز دیگری مانع این بهبودی شود در نگاه غرب حرام است و اگر موجب تثبیت و تقویت این نظام شود واجب و اگر این امور خنثی و بی‌تفاوت نسبت به این دو بخش باشد مباح خواهد شد (جبارپور، ۱۳۹۳: ۳۰-۲۸).

### خدامحوری در انقلاب اسلامی

امام خمینی علیه السلام در بیان ماهیت توحیدی انقلاب اسلامی و بیان تفاوت انقلاب اسلامی و نظامات سیاسی و اجتماعی در غرب توحید و خدامحوری را مبنا و نقطه تقابل معرفی کرده و می‌فرماید: «قانون‌گذاری برای بشر تنها در اختیار خدای تعالی است» (موسوی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۳۸۸).

انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است که محتوای این اصل در همه شئون جامعه سایه می‌افکند. در اسلام، تنها معبود انسان و بلکه کل جهان، خداست که همه انسان‌ها باید برای او یعنی برای رضای او عمل کنند. هیچ‌چیز و هیچ‌کس را نپرستند. در جامعه‌ای که شخص پرستی‌ها و شخصیت پرستی‌ها، نفع پرستی‌ها و لذت پرستی‌ها و هر نوع پرستش محکوم می‌شود و فقط انسان‌ها دعوت می‌شوند به پرستش خدا، در آن صورت همه روابط بین انسان‌ها، چه اقتصادی و یا غیراقتصادی در داخل چنین جامعه‌ای و در رابطه این جامعه با خارج تغییر می‌کند و ضوابط عوض می‌شود، همه امتیازات لغو می‌شود. فقط تقوا و پاکی ملاک برتری است. ضوابط و معیارهای متعالی الهی و انسانی، مبنای پیمان‌ها و یا قطع روابط است (موسوی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۸۱).

مشکل اصلی شما عدم اعتقاد واقعی به خداست، همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده و یا خواهد کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است (موسوی، ۱۳۸۶، ج ۲۱: ۲۲۱).

### ۳.۲. دین اجتماعی و فقه نظام ساز

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تصور عمومی جامعه مسلمین در جهان اسلام این بود که باید دین را با این تقریر که دین صرفاً عهده‌دار ابعاد فردی زندگی انسان است محور زندگی قرارداد یعنی نماز بخوانیم، روزه بگیریم و خمس و زکات بدهیم و سایر اعمالی را که ناظر به تکالیف فردی است اگر به‌خوبی انجام دهیم توانسته‌ایم دین را عنوان محور زندگی خود قرار دهیم. بعد از پیروزی انقلاب و جریان حکومت اسلامی شرایط دین‌داری نیز تغییر کرد و تلقی ناقص از دین‌داری جای خود را به تقریر کامل‌تری سپرد که حضرت امام علیه السلام آن را به جامعه معرفی کردند. نظام‌سازی برآمده از فقه شیعی، اصلی‌ترین تفاوت نگاه فقهی امام خمینی علیه السلام نسبت به سایر علما در طول تاریخ شیعه است؛ زیرا در هیچ برهه‌ای از تاریخ فقه نظام ساز ظهور و بروز عملیاتی نداشته و اولین تجربه در این مسئله در دوران بعد از انقلاب اسلامی صورت پذیرفته است (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۰۶/۱۷؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17226>).

در این رویکرد اصلاح در اقتضات حکومت اسلامی مانند: اقتصاد، سیاست، فرهنگ و نظام اندیشه‌ساز جامعه مانند آموزش و پرورش، دانشگاه و حوزه در دایره فقه و نظامات دینی معنا می‌پذیرد. این رویکرد قائل به ورود فقه به تمام نظامات اجتماعی انسانی بوده و مبنای حکومت خود را صلاحیت دین برای ارائه طرح و برنامه و اجرای دقیق و کامل این برنامه در تمام شرایط زمانی و مکانی می‌داند.

#### ۴.۳. شناخت غرب به‌مثابه غیریت هویتی انقلاب

در زندگی فردی و اجتماعی همه انسان‌ها یکی از اصلی‌ترین شروط موفقیت انسان‌ها و جوامع پاسخ به دو سؤال راهبردی ما چه هستیم و چه می‌خواهیم باشیم و ما می‌خواهیم چه و چگونه نباشیم؟ برای پاسخ به این سؤالات انسان نیاز دارد علاوه بر شناسایی دقیق خود به شناسایی دقیق نقاط مقابل خود هم بپردازد. قاعده علمی «تعرف الاشياء باضدادها» و ساختمان عادی و طبیعی انسان که اشیا را از راه مقایسه با هم و مقایسه با نقطه مقابلشان می‌شناسد موید ضرورت شناخت تضادها و تفاوت‌ها است (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۲۴).

امام خامنه‌ای یکی از اصلی‌ترین وظایف آحاد مردم ایران را در گام دوم انقلاب اسلامی دشمن‌شناسی دقیق و جامع دانسته و می‌فرماید:

آنچه وظیفه ما به‌عنوان مردم، به‌عنوان آحاد جمهوری اسلامی است: اولاً دشمن‌شناسی است؛ دشمن را بشناسیم؛ در شناخت دشمن اشتباه نکنید. نگویید که خب همه می‌دانیم؛ بله، شما می‌دانید که دشمن کیست؛ دشمن استکبار است، دشمن صهیونیسم است، دشمن آمریکا است؛ اینها را شما می‌دانید؛ اما تلاش وسیعی دارد انجام می‌گیرد برای اینکه این قضیه را به‌عکس کنند، نظر مردم را عوض کنند، با شیوه‌های پیچیده تبلیغاتی؛ همه باید مراقب باشند؛ دشمن‌شناسی بسیار مهم است؛ یکی این؛ بعد، دانستن نقشه دشمن؛ دشمن چه کار دارد می‌کند، چه کار می‌خواهد بکند؛ و بعد، دانستن شیوه مقابله با نقشه دشمن؛ این را باید مردم ما بدانند (دیدار مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628>).

در اندیشه امام خامنه‌ای امروز انقلاب اسلامی در یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی و فرهنگی با طاغوت غربی بوده و راه برون‌رفت از جنگ و پیروزی در این نبرد و دفع تهدیدات قوی شدن ملت ایران است. اساساً راه حاصل شدن این قوت و قدرت شناخت بزنگاه‌ها و ابزارهای دشمن در نبرد است (خطبه نماز جمعه، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44695>).

این دشمن‌شناسی در گام دوم انقلاب اسلامی با شناخت غرب به‌عنوان نقطه متضاد انقلاب اسلامی اهمیت پیدا می‌کند. انسان انقلاب اسلامی می‌تواند با شناخت دقیق غرب و فهم شکست‌ها و ضعف‌ها و تجربیات ناموفق تفکر غربی هم از ایجاد هزینه و آسیب جلوگیری کرده و هم با حذف روش غلط از زندگی خود در بالاترین سطح بهره‌وری از امکانات مادی و معنوی قرار بگیرد.

### ۳.۵. خودمراقبتی در جهت عدم غرب‌زدگی

در عصر حاضر در تمام انتخاب‌ها همیشه یک گزینه غرب و تفکر غربی است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت غرب امروز یک عامل حذف‌ناپذیر در زندگی بشر است. این گزینه حذف‌ناپذیر در تاریخ معاصر زندگی بشر یکی از بدترین آسیب‌ها در جوامع انسانی است. غرب‌زدگی که حاصل افراط در گرایش به غرب در انتخاب‌ها و اندیشه‌ها است در تاریخ ایران به‌ویژه در دوران حکومت پهلوی به‌گونه‌ای رشد کرد که امروز بعد از گذشت چندین دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، ساختار فکری و عملی انقلاب اسلامی کماکان با عواقب شوم این استثمار در سطوح مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مواجه

است. امام خمینی علیه السلام در وصیت‌نامه سیاسی الهی خود با بیان خطر تهاجم فرهنگی در مراکز آموزش عالی کشور، غرب‌زدگی را هم‌تراز و مقدمه غارت‌زدگی دانسته و می‌فرماید:

و اما در دانشگاه نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزش‌های خودی منحرف کنند و به‌سوی شرق یا غرب بکشانند و دولتمردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشته کشورها حکومت دهند تا به دست آنها هرچه می‌خواهند انجام دهند. اینان کشور را به غارت‌زدگی و غرب‌زدگی بکشانند و قشر روحانی با انزوا و منفوریت و شکست‌فراوان بر جلوگیری نباشد و این بهترین راه است برای عقب‌نگه‌داشتن و غارت کردن کشورهای تحت سلطه، زیرا برای ابرقدرت‌ها بی‌زحمت و بی‌خرج و در جوامع ملی بی‌سروصدا، هرچه هست به جیب آنان می‌ریزد (موسوی، ۱۳۸۶، ج ۲۱: ۴۱۸).

امام خامنه‌ای نقطه عطف انقلاب اسلامی را در گام اول خود وفاداری به آرمان‌ها و صیانت از اصول و ارزش‌ها می‌داند و می‌فرماید: انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.

### ۳.۶. نفی رویکرد مرز محور

انقلاب اسلامی که یکی از ارکان همیشگی‌اش مبارزه با ظلم است با نگاه به سرزمین نبرد می‌تواند دو رویکرد داشته باشد. دو رویکردی که اختلافی صددرصدی در نبرد با طاغوت داشته و پذیرش هرکدام راهکارها و رویکردهای خاص به خود را طلب می‌کند. یکی از این دو رویکرد انحصار مبارزه بین ایران و آمریکا است. با این نگرش به مبارزه، نبرد انقلاب اسلامی صرفاً در ایران خلاصه شده و امکان ایجاد صلح با آمریکا به‌عنوان دشمن اصلی فراهم می‌شود. این نگاه حداقلی با کوچک کردن میدان مبارزه، عملاً بسیاری از آرمان‌های انقلاب و امامین انقلاب اسلامی را از کار انداخته و سبب انفعال انقلاب و جمهوری اسلامی نسبت به مسائل جهان اسلام و سایر ملل می‌شود.

طرفداران این دیدگاه منافع ملی را اصل و منافع آرمانی را فرع بر آن می‌دانند و مبارزه را منحصر در مرزهای ایران اسلامی می‌دانند. پیروان این دیدگاه، تکیه‌گاه اصلی را بر بازسازی ملی قرار داده و کوشش برای صدور نبرد را غیرمنطقی و موقوف به فراهم بودن شرایط بین‌المللی می‌دانند. این گروه منافع آرمانی را فاقد وجاهت بین‌المللی دانسته و تنها منافع ملی را به رسمیت

می‌شناسند. این تفکر گسترش میدان نبرد را موجب برانگیختن حساسیت منفی جامعه جهانی علیه منافع ملی تلقی می‌کند.

رویکرد دوم در مبارزه، حذف مرز و سرزمین از میدان نبرد است. این نگرش همه زمین را صحنه درگیری حق و باطل می‌داند و خود و طاغوت را منحصر در هیچ مرز و خاکی نمی‌کند. خداوند متعال در قرآن کریم صحنه درگیری حق و باطل را همه زمان‌ها و مکان‌ها دانسته و هدف نهایی جبهه حق را پیروزی و قدرت بر همه عالم خاکی بیان کرده و راه تربیت مؤمن آینده‌نگر و مدیر را که هر لحظه آماده ولایت و حاکمیت بر همه عالم خاکی باشد را داشتن افق جهانی در مبارزه می‌داند و می‌فرماید:

۱. وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء: ۱۰۵).

۲. وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص: ۵).

نگاه جهان‌شمولی و فرا وطنی یکی از اصلی‌ترین تمایزات شخصیت امام خمینی علیه السلام از سایر علما و حکام عصر حاضر است. جهانی بودن اسلام و انقلاب در بیانات امام خمینی علیه السلام بارها تکرار و تأکید شده است:

- برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم (موسوی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۳۶).

- اگر وحدت کلمه اسلامی بود و اگر دولت‌ها و ملت‌های اسلام به هم پیوسته بودند، معنا نداشت که قریب یک میلیارد جمعیت مسلمین، زبردست قدرت‌ها باشند (همان، ج ۷: ۶۶).

- ما که می‌گوییم انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم به همه کشورهای اسلامی، بلکه به همه کشورهایی که مستکبرین بر ضد مستضعفین هستند، می‌خواهیم یک همچو وضعیتی پیش بیاوریم که دولت یک دولت زورگوی جبار آدمکش - امثال ذلک - نباشد و ملت یک ملتی نباشد که دشمن با دولت است (همان، ج ۱۲: ۱۴۶).

- من از گوشه بیمارستان به افریقا و شرق زیر سلطه و تمام کشورهای تحت ستم اخطار می‌کنم که متحد شوید و دست امریکای جنایتکار را از سرزمین‌های خود قطع کنید. دست امریکا و سایر ابرقدرت‌ها تا مرفق به خون جوانان ما و سایر مردم مظلوم و رزمنده جهان فرو رفته است. ما تا آخرین قطره خون خویش با آنان شدیداً می‌جنگیم؛ چرا که مرد جنگیم. ما انقلابمان را به تمام

جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است. و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم. ما از مردم بی‌پناه لبنان و فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع می‌کنیم (همان، ج ۱۳: ۹۶).

• دولت اسلامی باید تمام سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنی نیست که آنها را از هدف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهان است، منصرف کند (همان، ج ۲۱: ۳۲۷).

• وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست‌اندرکاران کشورتان، با قدرت‌های خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند ... و شما، ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان، به پا خیزید و حق را با چنگ‌ودندان بگیرید (همان، ج ۲۱: ۴۴۷).

امام خامنه‌ای درباره فرا سرزمینی بودن این تقابل می‌فرماید:

دشمن عبارت است از آمریکا، رژیم صهیونیستی و دستگاه استکبار؛ دستگاه استکبار فقط آمریکا نیست، فقط دولت‌ها نیستند؛ یک مجموعه‌ای از کمپانی‌ها و غارتگران دنیا و ستمکاران دنیا و مانند اینها هستند که با هر مرکزی که با ستم و غارتگری مخالف باشد مخالف‌اند؛ دشمن اینها هستند؛ ما فلان دولت در منطقه یا بیرون منطقه که حالا یک وقتی یک حرفی هم علیه ما بزند و یک چیزی هم بگوید را دشمن به حساب نمی‌آوریم؛ اینها دشمن نیستند؛ مادامی که حرکتی از آنها در خدمت دشمن و علیه جمهوری اسلامی سر نزنند، اینها را دشمن به حساب نمی‌آوریم (دیدار با مردم قم، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628>؛ ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).

در عمل نیز نگاه جهانی امامین انقلاب در مبارزه به عیان دیده می‌شود. نامه امام خمینی علیه‌السلام به گورباچف و دو نامه امام خامنه‌ای به جوانان اروپا و آمریکای شمالی و ایجاد جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا با نگاهی فراتر از مذهب از جمله موارد این رویکرد انسان‌محور است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این نگرش جهانی برای آزادی همه مستضعفان جهان در ضمن اصل ۳ و ۱۵۴ به‌عنوان اصلی اساسی و مترقی بیان شده است. در اصل سوم قانون اساسی ملاک تنظیم سیاست خارجی کشور حمایت و برادری با تمام ملل مسلمان و مستضعفین

جهان است. در اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز این مسئله تکرار شده است و آرمان انقلاب اسلامی تلاش برای سعادت همه انسان‌ها بیان شده است (فتحی و اصفهانی، ۱۳۹۷: ۱۵ و ۵۳).

### ۳.۷. بازتولید نظام آموزشی با تأکید بر طاغوت انگاری غرب و تربیت تمدنی

یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های نظام آموزشی، تربیتی توحیدی آموزش حق به همراه معرفی جبهه باطل است. این ویژگی در چنان جایگاهی قرار دارد که با فقدان نظام معرفتی در جامعه دینی از نظام آموزش توحیدی تبدیل به نظام آموزشی طاغوتی می‌شود. امام صادق علیه السلام در بیان تمایز این دو نظام آموزشی می‌فرماید: *إِنَّ بَنِي أُمَّيَّةَ أَطْلَقُوا لِلنَّاسِ تَعْلِيمَ الْإِيمَانِ وَ لَمْ يُطْلَقُوا تَعْلِيمَ الشُّرْكِ لَكِي إِذَا حَمَلُوهُمْ عَلَيْهِ لَمْ يَعْرِفُوهُ* (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۲: ۳۷۵)؛ همانا بنی امیه برای مردم تعلیم ایمان را آزاد گذاردند و تعلیم شرک را آزاد نگذاشتند، بخاطر اینکه اگر مردم را بر آن وادار کنند آن را نشناسند.

شناخت و معرفی نظام طاغوتی غرب و تبیین مابه‌الامتياز اسلام و انقلاب از تمدن غرب به‌ویژه در بحران‌ها و رویکردهای منفی غرب به انسان و جهان و ارائه تمدن نوین اسلامی به‌عنوان برنامه جامع‌تری از تمدن غرب می‌تواند رویکرد اصلی نظام آموزش در گام دوم انقلاب اسلامی باشد. نوع غرب‌شناسی در مراکز و نظام آموزشی کشور نباید صرفاً انتزاعی و نقادانه باشد؛ بلکه باید با نگاهی انضمامی عالی‌ترین مفاهیم موردنیاز جوامع بشری را در ذیل تمدن برآمده از انقلاب اسلامی توضیح و تبیین کرد.

این رویکرد سلبی و ایجادی در معرفت و مبارزه؛ به این معناست که باید هم در درون انقلاب بهترین محتوا و غالب برای نظام‌سازی تولید شود و هم‌زمان باید به دنبال نفی و تصرف جبهه مقابل بود. این مبارزه ایجابی و سلبی دغدغه بزرگ رهبری انقلاب برای تولید علوم انسانی اسلامی است.

یکی از دغدغه‌های راهبردی امام خامنه‌ای در سال‌های اخیر خالی بودن کتب درسی نظام آموزشی کشور از اسناد خيانت طاغوت غربی و پهلوی به ایران اسلامی است (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۵/۰۸/۱۲؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34815>). این دغدغه در اندیشه راهبردی امام خامنه‌ای به حدی اهمیت دارد که یکی از محوری‌ترین نکات در

بیانات ایشان در دیدار با دانش‌آموزان در چند سال اخیر تذکر به وزارت آموزش و پرورش به علت دور نگاه داشتن دانش‌آموزان از این اسناد است.

در اندیشه امام خامنه‌ای خالی بودن کتب درسی از معارف تمدن‌ساز یکی از اشکالات اصلی نظام آموزشی موجود است و لازمه پیشرفت و عزت در تفکر ایشان وجود معارف تمدن‌ساز و انسان‌ساز است (بیانات در دیدار معلمان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۸؛ ۲۲۵۱۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22515>).

علت تأکیدات مکرر امامین انقلاب اسلامی را در ضرورت معرفت‌بخشی به جوانان و نوجوانان را می‌توان در ۵ محور مورد مطالعه قرار داد:

- تحمل تلفات در صورت ورود به مبارزه بدون آگاهی کافی همانند شکست مشروطه.
- هدررفت وقت و سرمایه مانند تجربه تلخ ملت ایران در برجام.
- عدم امکان مصلحت‌سنجی و آینده‌نگری در برنامه‌ریزی به علت ترس، یاس و بزرگ‌نمایی جبهه مقابل.
- امکان اشتباه و خودزنی همانند برخی اقدامات در تضعیف جبهه مقاومت.
- وجود انگیزه‌های قوی در داخل و خارج برای تطهیر غرب و موجه نشان دادن دشمنان انقلاب اسلامی.

در اندیشه تمدنی امام خامنه‌ای به آموزش و پرورش معلم پایه‌ریز تمدن نوین اسلامی و جوان پایه اصلی برای تشکیل تمدن است. در برابر این رویکرد تمدنی، سند ۲۰۳۰ به‌عنوان سندی برای ترویج و تربیت غربی جوان ایرانی با هدف ساخت سرباز برای تمدن غرب بر اساس سبک زندگی و فلسفه حیات غرب تنظیم شده است (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42410>).

امام خامنه‌ای زیرساخت اصلی برای تحقق تمدن نوین اسلامی را منابع انسانی تمدن‌گرا معرفی کرده و دوران ۱۲ساله حضور جوانان و نوجوانان را بهترین بازه زمانی برای تربیت تمدنی دانسته و می‌فرمایند: ما مکرراً صحبت «تمدن نوین اسلامی» را کرده‌ایم، یا این‌جوری تعبیر کنیم «تمدن شکوفایی اسلامی»؛ تمدن اسلامی‌ای که استعدادهایش متناسب با زمان شکوفا بشود و خودش را نشان بدهد؛ مکرراً این را گفته‌ایم. زیرساخت اصلی هر تمدنی، منابع انسانی است دیگر؛ یعنی آن که می‌تواند یک تمدن را محتمل کند و ممکن کند و تحقق ببخشد، عبارت است از نیروی

انسانی؛ این نیروی انسانی در کشور ما چه کسانی هستند؟ چه کسی می‌تواند در آینده یک چنین کار بزرگی را انجام بدهد؟ یک نسلی که با یک امتیازاتی همراه باشد؛ این نسل را شما می‌خواهید امروز بسازید. نسلی که خودساخته است، دارای هویت است؛ هویت ایرانی - اسلامی محکم و عمیقی دارد، دل‌باخته و فریفته این‌وآن و بازمانده‌های تمدن منسوخ‌شده شرق و غرب نیست؛ نسلی است دانا، دانشمند، کارآمد، ماهر، آشنا با سبک زندگی اسلامی و سنت‌های ایرانی؛ یک چنین نسلی لازم است تا بتواند آن تمدن را بسازد. اگر بخواهیم آن تمدن با آن فراگیری به وجود بیاید، ما بایستی این نسل را توسعه بدهیم، این تربیت گسترش پیدا بکند، فراگیر بشود. پس بنابراین اگر بخواهیم این کار را بکنیم، برای جمهوری اسلامی هیچ فرصتی بالاتر و بهتر از این دوازده سال نیست. این دوازده سال بزرگ‌ترین فرصت است برای جمهوری اسلامی که بتواند ارزش‌ها را، آرمان‌های انقلاب را به‌درستی به این نسل منتقل کند و هویت اسلامی و ایرانی را در او نهادینه کند؛ این دوازده سال بهترین فرصت است (بیانات در دیدار معلمان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱؛ ۵۰۲۲۶).  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50226>).

### ۳.۸. مقابله فعال با نظریات جهانی‌شدن

در این تقابل، نظام طاغوتی غرب با نگاهی جهانی به دنبال اعمال قدرت و حاکمیت خود بر تمام جهان است. نظریه‌پردازان و سیاستمداران غربی با تکیه به نظریه درگیری تمدن‌ها، اقدام به جهانی کردن اهداف خودکرده و برای اینکه این فرایند به شکل نرم صورت بپذیرد با واردکردن نظریاتی همچون دهکده جهانی و جهانی‌شدن، تنها راهکار نجات انسان از وضعیت امروز را غربی شدن بیان می‌کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۴۶). امام خامنه‌ای با اعلام هشدار نسبت به این مسئله می‌فرمایند:

این جهانی شدن در تمام نظامات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی جریان دارد و با ظاهری آراسته به دنبال استعمار و استثمار انسان‌ها و ظرفیت کشورها است و در واقع سلطه گران غربی با این شیوه به دنبال هضم و حذف تمام ملل غیر از خود در خود و سپس سرپرستی بر فکر و جسم انسان‌ها هستند (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹؛ ۳۰۵۳).  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3053>).

### ۳.۹. پذیرش حوزه علمیه به‌عنوان نهاد اصلی تصمیم‌سازی در نظام اسلامی

در این تقابل جبهه غرب همواره با تکیه و توجه به نظرات و فرضیات مؤسسات پژوهشی خود توانسته است در موارد مختلفی مانع از اقدامات انقلاب اسلامی شود. مؤسساتی که بر سه محور اسلام‌شناسی، شیعه‌شناسی و ایران‌شناسی فعالیت دائم داشته و به‌عنوان نهادهای تصمیم‌ساز برای دولت‌ها و سیاستمداران نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

وجود مراکز ایران و اسلام‌شناسی در فلسطین اشغالی و تبدیل مباحث مربوط به ایران و اسلام به رشته‌های تخصصی در معتبرترین دانشگاه‌های اروپا و آمریکا دلیل مهمی بر ضرورت انقلاب اسلامی و آینده آن برای غرب است. این مسئله در شرایطی صورت می‌پذیرد که در جمهوری اسلامی تعداد مراکز غرب‌شناسی بسیار اندک بوده و حوزه علمیه که باید به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد تصمیم‌ساز در حاکمیت نقش ایفا کند از این مسئله کاملاً دور افتاده است و جز فعالیت‌های شخصی و گروهی خارج از نهاد و پوشش رسمی حوزه علمیه هیچ فعالیتی در این زمینه مشاهد نمی‌شود. این عدم توجه به نیازهای جامعه سبب سکولاریزه شدن حوزه علمیه می‌شود. امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

نظام، مرتبط و متصل و همزاد است نسبت به روحانیت. حوزه‌های علمیه باید خود را سربازان نظام بدانند، برای نظام کار کنند، برای نظام دل بسوزانند، در خدمت تقویت نظام حرکت کنند. اینکه ما به مسائل نظام کار نداریم، به مسائل حکومت کار نداریم، این سکولاریسم است (دیدار علما و روحانیون استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۱۹؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21151>).

## نتایج تحقیق

برای عدم ابتلا به تقلید از غرب و غرب‌زدگی و عدم مواجهه با آفات و خطرات مسیر طی شده در غرب برای ساخت تمدن باید در گام دوم انقلاب اسلامی پیوست تمدنی در تمام ابعاد اجرایی و معرفتی نظام جمهوری اسلامی ایران طراحی و تنظیم شود. این پیوست تمدنی با تأکید بر عناصری همچون انسان باوری دینی، نادیده‌گرفتن مرزهای جغرافیایی، نگرش توحیدی به عالم هستی و پاسخگویی دین به تمام نیازهای بشری باید به‌صورت نظامی آموزشی و تربیتی در تمام نظام آموزشی کشور وارد شود و با ساخت انسان تمدن‌گرا نیروی انسانی متناسب با تمدن نوین اسلامی را تولید کند.

ضروری است در برنامه‌ریزی‌های سیاسی و اجتماعی نقش جوانان به‌عنوان پیشران انقلاب اسلامی مدنظر قرار گرفته و تصمیمات اتخاذ شده از سوی مسئولین و مدیران جمهوری اسلامی با رویکرد تمدنی امامین انقلاب اسلامی همخوانی داشته باشد. در این حرکت راهبردی و آینده‌نگرانه ضروری است با شناخت دقیق انقلاب اسلامی و نظام سلطه در راستای معرفی و تبیین دقیق موقعیت زمانی و عملی هر دو جبهه تلاش شود تا با ارائه تصویری درست و دقیق با شناخت تهدیدها و فرصتها در راستای تبدیل تهدیدها به فرصتها تلاش شود و با سرمایه‌گذاری مناسب در عرصه انسانی و اقتصادی زیر بنای شناخت و حرکت درست و به‌موقع فراهم شود.

### فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم.
- جبارپور، محمد (۱۳۹۳)، در تکاپوی بهشت زمینی، تهران: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۷)، استعمار فرانو عناصر، انگاره‌ها و فن‌آوری‌های سلطه، مندرج در: مجموعه مقالات استعمار فرانو، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- رحیم پور، فروغ السادات (۱۳۹۲)، نبوت از دیدگاه امام خمینی، تهران: تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی، چاپ چهارم.
- زرنشاس، شهریار (۱۳۸۱)، مبانی نظری غرب مدرن، تهران: کتاب صبح.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۸)، غرب از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال سوم، شماره اول، ص ۴۷-۳۳.
- سراجی کرمانی، مسعود (۱۳۹۲)، ماهیت غرب از دیدگاه امام خمینی و تاثیر آن بر سیره و رفتار سیاسی ایشان، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- غلامی، رضا، فلسفه تمدن نوین اسلامی، تهران، ۱۳۹۶، سوره مهر.
- هانتینگتون، ساموئل (بی‌تا)، تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی، ترجمه مینو احمد سرتیپ، تهران: کتاب‌سرا.
- دورانت، ویل (۱۳۶۵)، تاریخ تمدن مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام و همکاران، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۵۹)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- بینام (۱۳۷۴)، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دارالاحیاء تراث العربی، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا.
- موسوی، روح الله (۱۳۸۶)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- موسوی همدانی، سید محمد باقر (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمی، چاپ پنجم.
- فتحی، محمد؛ کوهی اصفهانی، کاظم (۱۳۹۷)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- <https://farsi.khamenei.ir/speech>. بیانات مقام معظم رهبری